یادداشتی کوتاه از ادبیات جنگ ایران و جهان

ادبیات جنگ به مثابه خود جنگ





سید میلاد زارع‌کار
قفسه کتاب

جنگ‌ها قدمت‌شان به‌اندازه قدمت خود بشر است. اولین جنگ بشر را همان هابیل و قابیل آغاز کردند که ابتدای تاریخ است و قبل‌تر از آن چیزی نیست که بخواهد تاریخ باشد. یعنی بای بسم‌ا... دنیا را انسان با جنگ آغاز کرده است. این تازه اولین جنگ تاریخ است که دو طرفش انسان‌اند. اگرنه قبل از حضور بشر روی این کره خاکی هم جنگی داشته‌ایم که یک‌طرفش هم انسان بوده است. نگفته هم می‌دانید که جنگ ابلیس پر تدلیس را با آدم ابوالبشر می‌گویم که خب از آن دم که گل پدر ما، آدم خشک شد، آغاز شد و نتیجه‌اش هم شاید شکست ظاهری پدر ما بود و نزول تبعیدگونه ایشان به زمین و آغاز نزاع‌های بعدی. به چرایی و چگونگی و فلسفه خود جنگ در این مقال نه می‌پردازم و نه فرصت آن است که به آن بپردازیم. فقط کوتاه سخن آن‌که همیشه این جنگ‌ها بین شر و خیر بوده و هست... از آن ابتدا تا همین انتها. حالا ممکن است این غلظت شر و خیر فرق داشته و دامنه هرکدام از مطلق به نسبی در نوسان باشد. یعنی یک جایی شر مطلق و خیر مطلق داریم و جایی دیگر خیر و شر نسبی.

اینجا اما به این موضوع جنگ در ادبیات می‌خواهیم بیشتر بپردازیم و در این کوتاه نوشته تمرکز را بر ادبیات خودمان یعنی ایران می‌گذاریم. وقتی تاریخ بشر منفصل از جنگ نبوده است حتما کشور عزیز ما ایران هم از این قاعده بی‌انصاف مستثنی نبوده است و آن‌طور که همه‌مان خوانده‌ایم یا شنیده‌ایم و حتی شماری دیده‌ایم، این مرزوبوم جنگ‌هایی به خود دیده است. ادبیات همچون وجوه دیگر دانش و هنر که در سیطره فکر بشرند درگیر این جنگ بوده است. همان‌قدر که فلسفه، علوم اجتماعی، فیزیک و ریاضی و باقی علوم درگیرش بودند و شاید هم به‌دلیل آن‌که ادبیات ممزوج در زندگی است بیشتر از اینها هم درگیر موضوع جنگ بوده باشد و این درگیری و همراهی دنباله‌دارتر باشد که همین‌طور هم هست. ازهمین‌روست که آثار بزرگی در ادبیات جهان به این پدیده اختصاص دارد از «دن آرام» شولوخوف که خودش تجربه حضور در جنگ را داشته و برنده جایزه نوبل ۱۹۶۵ شده است تا «برباد رفته» مارگارت میچل و «وداع با اسلحه» ارنست همینگوی که او هم جنگ‌دیده و برنده نوبل ادبیات بود تا این اواخر همین «بادبادک‌باز» خالد حسینی، مثال‌های فراوانی از آثار شاخص ادبی می‌توان نام برد.

ادبیات ایران هم مثل سایر ملل که بخشی از ادبیات‌شان به ادبیات جنگ اختصاص داده شده است به این حوزه پرداخته است. این شاخه از ادبیات در ایران هم به سال‌های اخیر اختصاص ندارد و به قرن‌ها پیش تعلق دارد و به سال‌هایی برمی‌گردد که قالب ادبی مسلط در ایران شعر و نثر ادبی بوده است. فردوسی را شاید بتوان از مؤثرترین ادبای ایران در حوزه ادبیات جنگ دانست و اصلا اگر دقت کافی داشته باشیم حماسه شاهنامه همه بر محور جنگ است. جنگ‌های فراوانی را فردوسی در شاهنامه آورده است که می‌توان از آن میان به جنگ‌های ضحاک و کاوه آهنگر، بیژن و منیژه، کیخسرو و افراسیاب و جنگ‌های ایرانیان و تورانیان اشاره کرد که همه را به جزئیات به تصویر کشیده است. جنگ‌های شاهنامه، خیلی‌هایشان ریشه دینی دارند. جنگ در حماسه شاهنامه با پیکار کیومرث و طهمورث با اهریمن به فرمان خداوند شروع می‌شود و رفته‌رفته رنگ می‌بازد تا در عهد لهراسب و گشتاسب با جنگ‌هایی که میان این دو پادشاه با ارجاسب تورانی بر سر اشاعه دین زردشت درمی‌گیرد، جنگ‌های شاهنامه بار دیگر جنبه دینی محض پیدا می‌کند. از این قبیل حضور جنگ در ادبیات شاعران ما مثال‌های فراوانی می‌توان نام برد که خاقانی یکی از آنهاست. در دوره معاصر هم علاوه بر شعر که متأثر از پدیده دفاع مقدس و هشت سال جنگ تحمیلی بود داستان به‌عنوان شیوه ادبی نوین‌تر در ایران نیز از این امر متأثر شده بود.

با وقوع جنگ تحمیلی و پس از هشت سال دفاع مقدس، برای نامیدن فرهنگ، هنر، ادبیات و دیگر مقوله‌های این رخداد، هر کس نام و عنوان و اصطلاحی برای آن به‌کار برد. برخی از عنوان جنگ برخی دفاع مقدس و برخی مقاومت، استفاده کردند و برخی عناوین دیگر. از همین‌رو در حوزه ادبیات، اصطلاحاتی چون ادبیات جنگ، ادبیات پایداری، ادبیات مقاومت و ادبیات دفاع مقدس به کار گرفته شد که هرکدام علاوه بر اطلاق بر یک حوزه ادبی تعریف‌هایی گاهی متفاوت داشتند. از طرفی در کنار ادبیات داستانی، گونه تاریخ شفاهی هم نقش بسیار پررنگی در ادبیات جنگ برعهده گرفت که در این اواخر با تاکید رهبر معظم انقلاب بر این موضوع و تمرکز فعالان بخش تاریخ شفاهی و برخی از خاطره‌نگاران جنگ، آثار بسیار شاخصی متولد شد که از آن میان می‌توان به کتاب‌های «دا»، «۲۳ نفر» و «وقتی مهتاب گم شد» اشاره کرد.

حالا سؤالی که شاید ابتدای امر پیش بیاید این باشد که اصولا داستان جنگ و دفاع مقدس، چگونه داستانی است؟ خوب اگر نخواهیم پیچیده به آن نگاه کنیم همان که داستانی موضوع و درون‌مایه‌اش جنگ و دفاع مقدس باشد در این طبقه‌بندی قرار می‌گیرد. حالا می‌تواند داستانی در زمان جنگ باشد یا با شخصیت‌هایی در زمان جنگ یا حتی با موضوع جنگ (بدون حضور در زمان و داشتن شخصیت‌های دوران جنگ) و همچنین می‌تواند در ژانرهای مختلف و با مخاطبان مختلف اعم از کودک و نوجوان و بزرگسال نوشته شود که نمونه‌های خوب و فراوانی هم داریم.

با وقوع جنگ تحمیلی و پس از هشت سال دفاع مقدس، برای نامیدن فرهنگ، هنر، ادبیات و دیگر مقوله‌های این رخداد، هر کس نام و عنوان و اصطلاحی برای آن به‌کار برد. برخی از عنوان جنگ برخی دفاع مقدس و برخی مقاومت، استفاده کردند و برخی عناوین دیگر

در ادبیات جنگ در خارج از ایران رمان «در جبهه غرب خبری نیست» اثر اریش ماریا رمارک، در زمره داستان‌های کاملا جنگی است. یعنی چه؟ یعنی هم موضوع، هم حوادث، هم شخصیت‌ها و مهم‌تر از همه، درونمایه داستان در خدمت موضوع اصلی نویسنده یعنی جنگ قرار گرفته‌اند. از میان داستان‌های ایرانی نیز «نخل‌های بی‌سر» قاسم علی فراست یکی از نمونه‌های آثار کاملا جنگی است. داستان از اولین روزهای آغاز جنگ در خرمشهر شروع می‌شود. برادر و خواهر شخصیت اصلی داستان (ناصر) شهید شده‌اند. خانواده ناصر به تهران مهاجرت می‌کنند. ناصر هم چند بار به شهر سر می‌زند اما جای خود را در جبهه می‌یابد. بالاخره دلتنگی امانش را می‌برد و به جبهه بازمی‌گردد. در خاتمه داستان، صالح، دوست ناصر به صورت تلفنی خبر آزادی خرمشهر و شهادت ناصر را به مادر او می‌دهد.

در کنار آن می‌توان به داستان کاملا جنگی «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» احمد دهقان هم اشاره کرد که روایتگر قصه خود نویسنده است و این روایت را با چاشنی طنز و سرخوشی همراه می‌کند. ناصر که برای مرخصی تحصیلی برگشته، بعد از شرکت در امتحانات با بچه‌محلش، علی به جبهه جنگ برمی‌گردد. اتفاقات زیادی در جبهه رخ می‌دهد که گاه شیرین و طنازانه است و گاه واقعیت موحش و دهشتناک جنگ را به تصویر می‌کشد. اما در پس تمام اتفاقات تلخ و شیرینی که رخ می‌دهد، احمد دهقان تا انتها منادی امید به زندگی و جنگیدن برای آن باقی می‌ماند. رضا امیرخانی درباره این داستان گفته است: شاید بهترین داستان جنگ باشد!

رضا امیرخانی را شاید بتوان یکی از مؤثرترین نویسندگان داستان‌هایی با محوریت جنگ دانست که به شکلی خلاق و البته نو به ادبیات دفاع مقدس پرداخته است. «ارمیا» اولین نوشته رضا امیرخانی در ۲۲ سالگی است. ارمیا داستان پسر جوانی است که در تهران و در رشته مهندسی عمران در حال تحصیل است. ارمیا تنها پسر خانواده است و تهران را برای حضور در جنگ ترک می‌کند و در جنگ اتفاقات هیجان‌انگیزی را تجربه می‌کند. این کتاب، امیرخانی را برنده جایزه کتاب برگزیده ۲۰ سال ادبیات دفاع مقدس آن هم در ابتدای جوانی کرد که ادامه راه را برای حضور او در عرصه داستان‌نویسی هموارتر کرد و در ادامه در زمینه ادبیات دفاع مقدس آثار شاخصی چون «از به» و «بیوتن» را روانه بازار نشر کرد.

«شطرنج با ماشین قیامت»، نوشته حبیب احمدزاده، از دیگر آثار موفق دوره متأخر است؛ رمان شطرنج با ماشین قیامت یک اثر فلسفی اجتماعی درباره سه روز از زندگی یک بسیجی ۱۷ساله در شهری است که توسط عراقی‌ها محاصره شده است. او دیده‌بان توپخانه است اما به‌رغم میل باطنی‌اش مسؤولیت وانت غذا به او محول می‌شود و او باید علاوه بر غذارسانی به رزمندگان، به سه نفر از آدم‌های عجیب و غریبی که شهر را ترک نکرده‌اند هم غذا بدهد. عراقی‌ها به سیستم رادار پیشرفته عربی مجهز شده‌اند و او به‌دنبال آن می‌گردد. این سیستم رادار همان ماشین قیامتی است که نویسنده برای یافتن آن با استناد به سه قسمت از کتاب مقدس قرآن، انجیل و تورات، فلسفه آفرینش انسان و زندگی‌اش در آخرت را از دیدگاه یک بسیجی نوجوان، روسپی زمان شاه و مهندس بازنشسته پالایشگاه آبادان که ترکیبی از گناه و بی‌گناهی، سادگی و مکاری و تقدس و کفر هستند، بازخوانی می‌کند. جالب است بدانید پال اسپراکمن، نایب‌رئیس مرکز مطالعات دانشگاهی خاورمیانه در دانشگاه راتجرز آمریکا این رمان را به انگلیسی ترجمه کرده است و هم اکنون این رمان در رشته زبان و ادبیات فارسی برخی از دانشگاه‌های آمریکا تدریس می‌شود. ذکر آثار برجسته این ژانر ادبی و صحبت در مورد آنها قطعا در گنجایش این متن نیست و آثار فوق تنها اشاره و نمونه‌هایی از این حوزه بودند و در انتها باید گفت عرصه ادبیات دفاع مقدس عرصه‌ای است که هرچند چند دهه از آن گذشته است ولی همچنان نوپا است؛ نوپا از آن لحاظ که همچنان افق‌های پیش روی مطلوب و جدیدی دارد که قطعا همان‌طور که سالیان گذشته ثابت کرده است با حضور استعدادهای جوان، منصه ظهور آثار ادبی وزین و تأثیرگذاری در ادبیات ایران خواهد بود.